

بسم الله الرحمن الرحيم

## بررسی حدود ارث زوجه از زوج

ایمان ضربایی (از شاگردان فقیه قرآنی، استاد حوزه و دانشگاه)

### چکیده

در ادوار تاریخ، ارث در ملل گوناگون بر عادات متداول اجتماعی گذرانده می شد. و در هر دوره اجتماعی تا آنجا که نظم جامعه را مختل نمی کرد، اعتدال در آن رعایت می گردید.

از آن رو که بحث ارث آیاتی چند از کتاب حیات بخش مسلمانان یعنی قرآن شریف و همچنین بیش از هزار حکم روایی، قواعد عقلی و مسائلی از این دست را بخود اختصاص داده است. به جرأت می توان آن را بعنوان مهمترین و پیچیده ترین باب در کتابهای فقهی و حقوقی دانست.

فقهها و حقوقدانان با توجه به گستردگی، شمول و جامعیت آیات، با دقت بسیار به فصل بندی بحث ارث پرداخته، و آن را تحت عناوینی همچون موجبات، موانع، شرایط ارث و... بطور مفصل سخن گفته اند. یکی از مباحث مطرح شده در این باب بحث حدود ارث زن از اموال شوهر است، که این مقاله به بررسی کمی و کیفی سهم ارث زن از اموال شوهر با رویکرد مقایسه بین فقه سنتی و فقه قرآنی پرداخته است.

واژه های اصلی: موجبات ارث، دارایی های منقول و غیرمنقول، ارث زوجه، ذات ولد و غیر ذات ولد، ارث زوجات متعدد

## مقدمه

ارث یکی از موارد و ابواب فقه اسلامی است و اسلام به مسئله ارث با نگاهی روشن و دقیق پرداخته است بگونه ای که در نظام ارث اسلامی، هیچ یک از بستگان متوفا با توجه به سلسله مراتب سببی و نسبی از ارث محروم نمی شوند. و آنچه در میان اعراب جاهلی و یا پاره ای از کشورهای قبل از ظهور اسلام مرسوم بود که زنان و یا کودکان بخاطر عدم توانایی به حمل اسلحه و شرکت در میدان جنگ از ارث محروم می شدند و ثروت متوفا را به افراد دورتر می دادند یا اموال متوفا را با وجود زن و کودک به حاکمان وقت، ارجاع می دادند.

قانون ارث چون ریشه فطری دارد به اشکال گوناگون در میان ملل گذشته دیده می شود در میان یهود گرچه بعضی مدعی هستند که قانون ارثی وجود نداشته، ولی با مراجعه به تورات می بینیم این قانون صریحاً در «سفر اعداد» آمده است آنجاکه می گوید: با بنی اسرائیل متکلم شده بگو که اگر کسی بمیرد و پسری ندارد میراث وی را به پدرش انتقال نمائید و اگر دختری ندارد میراثش را به برادرانش بدهید و اگر برادری ندارد میراث وی را به برادران پدرش بدهید، و اگر پدرش برادری ندارد میراثش او را به بازمانده او از نزدیک ترین خویشاوندانش بدهید تا وارث آن باشد، و این برای بنی اسرائیل حکم واجبی باشد به نوعی که خداوند به موسی امر فرموده است. از جمله های فوق استفاده می شود که ارث در میان بنی اسرائیل فقط روی مسئله نسب دور می زده است. زیرا نامی از همسر در آن برده نشده است. و همچنین در آیین مسیح نیز باید همین قانون تورات معتبر باشد زیرا در اناجیل موجود نقل شده که مسیح گفته است من نیامده ام که چیزی از احکام تورات را تغییر دهم، و لذا در کتب و رسائل مذهبی موجود آنها بحثی درباره ارث نمی یابیم، «فقط در چند مورد از مشتقات کلمه ارث سخن گفته شده که همگی درباره ارث معنوی یا اخروی است».

اما در میان عربهای عصر جاهلیت، پیش از ظهور اسلام تقسیم ارث یکی از این سه طریق بوده است.

الف) نسب: که شامل پسران و مردان نسبی بوده و زنان و کودکان از بردن ارث محروم بودند.

ب) تبنی: یعنی فرزند پسری که از خانواده خود طرد شده بود و خانواده دیگری او را بخود نسبت می داد و به شکل پسرخوانده درآمد در این صورت میان این پسر خوانده و پدر خوانده اش، ارث برقرار می شد.

ج) عهد و پیمان: یعنی دو مرد با هم پیمان می بستند که در دوران حیات زندگی از یکدیگر دفاع کنند و بعد از مرگ از هم ارث ببرند.

در میان ایرانیان نیز ارث بیشتر متوجه مردان بوده و زنان حق چندانی در بهره برداری از حق الارث نداشتند. در زمینه تشکل خانواده نکته جالب دیگر که در تمدن ساسانی دیده می شود این است که چون پسری به سن رشد و بلوغ می رسید. پدر یکی از زنان متعدد خود را به عقد زناشویی وی در می آورده است و زن در تمدن ساسانی شخصیت حقوقی نداشته است و پدر و شوهر اختیارات وسیعی در دارایی های وی داشته اند و دختری که به شوی میرفت دیگر از پدر یا کفیل خود ارث نمی برد و در انتخاب شوهر هیچ گونه حقی برای او قائل نبودند اما اگر در سن بلوغ، پدر در زناشویی وی کوتاهی می کرد دختر حق داشت به ازدواج نامشروع اقدام نماید در این صورت نیز از پدر ارث نمی برد .

اسلام قانون طبیعی و فطری ارث را از خرافاتی که به آن آمیخته شده بود پاک کرد و تبعیضات ظالمانه ای که در میان زن و مرد از یک سو، بزرگسال و کودک از سوی دیگر قائل بودند را از بین برد. و سرچشمه های ارث را عادلانه در سه چیز خلاصه کرد که تا آن زمان به این شکل سابقه نداشت.

(۱) نسب: به مفهوم وسیع آن یعنی هرگونه ارتباطی که از طریق تولد در میان دو نفر در سطوح مختلف ایجاد می شود اعم از زن و مرد، بزرگسال و کودک

(۲) سبب: یعنی ارتباطهایی که از طریق ازدواج در میان افراد ایجاد می شود.

(۳) ولاء: یعنی ارتباطهای دیگری که از غیرطریق خویشاوندی سببی و نسبی در میان دو نفر پیدا می شود مانند ولاء عتق «یعنی اگر کسی برده خود را آزاد کند، و آن برده پس از مرگ خود هیچ گونه خویشاوند نسبی و سببی از خود به یادگار نگذارد، اموال او به آزادکننده او می رسد. و «ولاء ضمان جریره» و آن پیمان خاصی بوده که در میان دو نفر به خواست و اراده خودشان برقرار می شده، و طرفین متعهد می شدند که از یکدیگر در موارد مختلفی دفاع کنند و پس از مرگ در صورتی که هیچ گونه خویشاوند نسبی و سببی نداشته باشند از یکدیگر ارث ببرند. و دیگر «ولاء امامت» است یعنی اگر کسی از دنیا برود و هیچ گونه و ارث نسبی و سببی و غیر آن نداشته باشد میراث او به امام (علیه السلام) و بعبارت روشنتر به بیت المال مسلمین می رسد. البته هر یک از طبقات فوق شرایط و احکامی دارند که در کتب فقهی و حقوقی مشروحاً به آنها پرداخته شده. اما از آنجا که در مسئله ارث در طول تاریخ نسبت به حق زن تعدی شده و زن در ادوار مختلف تاریخ دچار تبعیضات مردگرایانه حتی در فقه سنتی اسلامی گردیده است. در این مقاله کوشیده ایم با توجه به فقه اصیل قرآنی که بیانگذار آن استاد فقید علامه مجاهد اعلم العلماء آیت الله العظمی صادقی تهرانی (رضوان الله تعالی علیه) می باشند به مقوله ارث زن از شوهرش پرداخته و با بررسی کتاب (قرآن) و سنت ثابتة محمدیه تفاوت بین این دو دیدگاه را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

## ارث

حرف اصلی این واژه ورث است. ارث و تراث مصدر ثلاثی مجرد هستند و افزون بر معنای مصدری، به معنای اسم مفعول نیز به کار می روند. میراث مفهوم اسم مفعولی دارد و به چیزی که به ارث برده شود، گفته می شود گروهی از لغویان، برای واژه ارث معنایی ذکر نکرده اند.

همه لغویان، کاربرد ارث را در انتقال مال حقیقت می دانند. ولی در حقیقت یا مجاز بودن استعمال این واژه در انتقال غیر مال بر یک رای نیستند. کاربرد مشتقات این واژه بویژه در قرآن کریم، در غیر دارایی شایع است. تا آنجا که گفته اند این معنای مجازی به جهت فراوانی کاربرد همانند معنای حقیقی شده است. به شخصی که چیزی به او منتقل می شود وارث و شخصی که از او منتقل شده موروث و مورث اطلاق می شود و چون لازمه این انتقال، وجود و بقای وارث و میراث است، به نظر می رسد که تعریف ارث به بقیه، و وارث به باقی و... تعریف به لازم معنا باشد.

ارث در اصطلاح فقیهان استحقاق شخصی، بر دارایی دیگری به نسب یا سبب است. البته بیشتر فقیهان برای آن معنای اصطلاحی ذکر نکرده اند که خود گویای تقارب معنای اصطلاحی و لغوی است.

مشتقات ارث ۳۵ بار در قرآن آمده است، که آیات مورد نظر، گستره‌ای فراتر از بیان احکام فقهی ارث و ویژگی‌های آن در اسلام دارد، که در این آیات به بیان وراثت خداوند یا به ارث بردن بهشت و کتاب آسمانی و غیر آن نیز پرداخته شده است.

## سببیت

یکی از موجبات و شرایطی که اگر جمع گردد، ترکه و دارایی از موروث به بازماندگان او منتقل می گردد، داشتن رابطه سببیت (به معنای خاص) است و یکی از روابط سببیت پیوند زناشویی می باشد، که آنهم بوسیله عقد منعقد شده بین زن و مرد و داشتن روابط مادی و معنوی بین آنهاست که از طرفی قرابت سببی بین آنها بوجود می آید و از سوی دیگر، زوجین در هر طبقه و هر درجه ای که با خویشاوندان نسبی قرار گیرند، ارث خواهند برد.

البته بین فقها هیچ اختلافی در ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر وجود ندارد. فقط در حیثه ارث بردن زن از مرد، تقریباً اکثر فقها معتقدند که حدود ارث زن از شوهر محدودتر از حدود ارث مرد از زن می باشد. در خصوص ارث زن از شوهرش معتقدند که زن از همه اموال منقول ارث می برد ولی از اموال غیرمنقول (اعم از عین و قیمت آن) ارث نمی برد. (البته عده ای از فقها قائلند که زن از قیمت اموال غیرمنقول شوهر ارث می برد نه عین آنها).

## دارایی منقول و غیر منقول

در مباحث فقهی و حقوقی اموال و دارایی های انسان به دو صورت منقول و غیرمنقول تقسیم می شود. یعنی گاهی اوقات نمی توان آنها را از محلی به محل دیگر انتقال داد. اعم از اینکه استقرارشان ذاتی و یا بواسطه عمل انسان باشد. به نحوی که انتقال آنها مستلزم خرابی یا نقص خود مال و یا محل آن باشد، به این اموال دارایی های غیرمنقول می

گویند. اراضی (زمینها)، ابنیه (ساختمانها) آسیاب (که در زمین منسوب باشد) و همچنین لوله هایی که در زمین یا بنا برای جریان آب و یا مقاصد دیگر کشیده شده اند، آیینه، پرده نقاشی و مجسمه به طوری که در زمین یا بنا به کار رفته و نقل آنها موجب نقص و خرابی شود جزو اموال غیرمنقول اند. از دیگر اموال غیرمنقول می توان به این موارد اشاره کرد: ثمره و حاصل اشجار (مادام که چیده یا درو نشده باشند) و شاخه های آنها مادام که بریده یا کنده نشوند و ...

با توجه به آنچه که گفته شد اشیایی که نقل آنها از محلی به محل دیگر ممکن باشد و در نقل و انتقال دستخوش نقص و خرابی واقع نگردد اموال منقول نامیده می شوند که از جمله آنها می توان به فرش، مبیل، پرده و مانند آنها اشاره نمود. کلیه دیون مانند قرض، مال الاجاره، حقوقی مثل حق خیار، شفعه، وثیقه، اختیار تالیف و ترجمه و شرکا، انواع کشتی ها، قایق ها، آسیاب ها، حمام های متحرک که بر روی رودخانه و دریا ساخته می شود، کارخانه هایی که جزو بنای عمارتی نباشند ماشینها و مصالح بنایی مانند سنگ، آجر، گچ و... تا زمانی که در بنا بکار نرفته اند اموال منقول بحساب می آیند. ابنیه به چیزی می گویند که بوسیله عمل انسان بر روی زمین با چوب، آهن، سنگ، آجر، آهک، خاک، سیمان و امثال آن ساخته شده باشد. مثل خانه، دکان، کاروانسرا، حمام و تاسیسات دیگر. البته برخی چیزهای دیگر هستند که هیچ گونه مصالح ساختمانی در آنها بکار نرفته است اما در حکم آیینه می باشند مانند لوله های آب، کابلها برق، تلفن، و امثال آن که در زمین نسب شده اند.

همینطور چیزهایی که بواسطه حفره زمین درست شده اند؛ مانند آب انبار، حوض، قنوات، یا چاه آب، زیرزمینهایی که در بعضی از شهرها در طبقه دوم و یا سوم در سنگ حفر می نمایند و یا زاغه هایی که برای گوسفندان در کوه و یا در زیرزمین می کنند.

منظور از اشجار نیز درختان و اصله هایی است که در روی زمین هستند. اعم از اینکه طبیعتا روییده باشند و یا بواسطه کاشتن انسان روییده باشند. عده ای از صاحب نظران فقه و حقوق کشت و زراعت و بوته هایی که در زمین می رویند مانند: بادمجان، پنبه و امثال آن را در حکم اشجار قرار می دهند. اگرچه کلمه اشجار شامل آنها نمی شود. البته لازم به ذکر است وقتی سخن از درختان می شود، شامل گلها نمی شود.

## بررسی آراء فقها در خصوص ارث زوجه

فقها و صاحب نظران عرصه فقه و حقوق با استفاده از روایات حدود ارث زن از اموال شوهرش را مشخص نموده اند و بین زن ذات ولد (زنی که فرزند دارد) و زن غیر ذات ولد (زنی که فرزندی ندارد) حال این فرزنددار نشدن به هر دلیلی باشد تفاوت قائلند که ما در اینجا به بیان این آراء می پردازیم.

### الف) سهم زوجه بدون فرزند

از بررسی احکام فقهی چنین بر می آید که بیشتر فقها با عنایت و استناد به احادیث معصومان (علیه السلام) و جمع اخبار، احکام فقهی سهم زوجه مذکور را اینگونه بیان نموده اند.

علامه حلی در کتاب تبصره المتعلمین، سهم الارث زن بدون فرزند را تنها از اموال منقول بر می شمرد و وی را از ارث بردن از اموال غیر منقول نظیر خانه، باغ، زمین، درختان و... محروم می داند اما بدلیل اینکه این زن نسبت به فرزندان میت اجنبی است و ممکن است شوهر کند و بیگانه ای را مزاحم ارث سازد از این رو به نظر ایشان، شرع مقدس به ورثه این حق را داده تا قیمت املاک غیرمنقول را به این زن بدهند و شر مزاحمت بیگانه را دفع کنند و اگر بخواهند می توانند به شرکت او راضی باشند و ظاهر کلام فقها آن است که قیمت اسباب و آلات و بنا و درختان و امثال آن را باید به زن داد، و نه قیمت اصل زمین؛ چون در روایات از اجر، چوب و درب بنا نام برده شده است نه زمین.

شهید اول و شهید ثانی نیز چنین زنی را صاحب ارث از زمین قیمت زمین ابزار الات ساختمانی (اجر، سنگ، چوب و...) خود بنا و ساختمان نمی دانند، در حالی که معتقدند چنین زنی از قیمت عین ساختمان می تواند ارث ببرد.

آنچه از نظر محقق حلی صاحب شرایع نیز برمی آید این است که زن از خود زمین چه عین و چه قیمت آن محروم است و این امر فرقی ندارد در این که زمین ساده باشد و یا بر روی آن زراعت، ساختمان سازی، عمارت، درخت کاری و... شده باشد. و از آلات و عمارت نیز ارث نمی برد. اما می توان آلات و عمارت را قیمت کرد و سهم او از قیمت آن عمارت را به وی داد.

محقق حلی در ادامه دیدگاه خویش نظر سید مرتضی مبنی بر سهم داشتن زن از قیمت زمین و دادن سهم او از قیمت زمین را بیان نموده و قول قوی تر را همان نظر نخست بر می شمرد. باوجود این مطالب، فقهای متاخر، همچون علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام و شهید اول در کتاب دروس، اشجار را در طبقه آلات و عمارت گنجانده اند که سطح محرومیت زن از خود آنهاست و از قیمت آن ارث خواهد برد.

قابل توجه آن که علامه حلی در کتاب مختلف و محقق حلی در کتاب مختصرالنافع بدین مطلب اشاره می کنند که زن از خانه ها و مساکن محروم است ولی بوستان و ضیاع و مزارع بوی به ارث می رسد.

## ب) سهم زوجه صاحب فرزند

اکثر فقهای متاخر بر این نظرند که زن چنانچه از همسر متوفای خود فرزند داشته باشد از کلیه اموال (اعم از منقول و غیرمنقول) ارث می برد. گفتنی است با وجود آنکه احادیث منقول از ائمه بزرگوار (علیهم السلام) بصورت فصل بندی در موضوعات فقهی طبقه بندی شده و روایات رسیده در مورد زن صاحب فرزند با روایات موجود در مورد زن بدون فرزند، بخشهای متفاوتی را بخود اختصاص داده اند، اما به عقیده فقهای متاخر این روایات اعم از زن دارای فرزند و یا بدون فرزند است و بدین ترتیب سهم ارث زن به طور کلی تنها از اموال منقول و قیمت عمارات و بناها می باشد و نه عین یا قیمت زمین و امثال آن.

### مستندات روایی فقها در مسئله ارث زوجه

اکثر فقهای متقدم و متاخر با استناد به چند روایت، قائل به انحصار ارث زن از شوهر از اموال منقول شده اند که در ذیل به پنج روایت که به این موضوع پرداخته اند اشاره می شود.

(۱) محمد بن یعقوب، از عده ای از اصحاب ما... از زراه از ابی جعفر نقل کرده است: همانا زن از ساختمان، درب ها، سرا و مساکن حقیقش را می گیرد ولی از ده ها، زمین و سلاح چیزی نمی برد و از مال و فرش و اثاث خانه هم ارث می برد.

(۲) و از ایشان از سهل از علی بن حکم ... از ابان الاحمر نقل شده که گفت برای زنان، قیمت آجر و بنا و چوب آن است و از زمین و ساختمان چیزی ارث نمی برند.

(۳) و از علی بن ابراهیم ... از زراره از محمد بن مسلم از ابی جعفر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: زنان از زمین و مستقالات (ملک غیرمنقول) چیزی به ارث نمی برند.

(۴) محمد بن علی بن الحسین به اسنادش از حسن بن محبوب از احوال، از ابی عبدالله (علیه السلام) روایت کرده که گفت: زنان از ساختمان ارث نمی برند اما از قیمت بنا درخت، نخل و زراعت ارث می برند.

(۵) از محمد بن حسین از جعفر بن بشیر، از عبد الملک نقل شده که ابوجعفر (علیه السلام) با ارائه کتابی که به خط مبارک ایشان و املائی پیامبر بوده، فرموده اند (طبق این کتاب) هرگاه مرد وفات نماید، برای زنان از ساختمان چیزی نیست.

البته روایات در این باب بیش از مقدار یادشده است و ما به جهت اختصار به اهم آنها اشاره کردیم. روایات فوق از آن دسته روایاتی هستند که مورد استناد فقها در کتاب های استدلالی شان قرار گرفته و با توجه به آنچه در قبل گفته شده بدان فتوا داده اند و حدود ارث زن را فقط اموال منقول شوهر می دانند.

## قرآن و مسئله ارث زوجه

در خصوص ارث زن از همسر متوفایش قرآن مجید نیز چنین می فرماید: «... و لهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم من بعد وصیه توصون بها اودین...»

(یک چهارم از کل میراث شما (مردان) برای زنان تان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم کل آن برای آنان است (البته پس از انجام) وصیتی که بدان سفارش می کنید یا دینی).

از مطالعات تفاسیر مختلف قرآن و آیات احکام فریقین، صرفاً چنین برمی آید که زن در صورتی که از همسر خود صاحب فرزند باشد یک هشتم از کلیه دارایی بر جای ماند شوهر و در حالتی که فرزندی نداشته باشد، یک چهارم از کل دارایی او را مالک می گردد و تأکید متون تفسیری بیشتر بر این نکته است که طبق فرمایش خداوند متعال، بعد از عمل به وصیت متوفا و یا پرداخت دیونش (در صورت موجود بودن) سهم ارث وارث (در اینجا زوجه) داده می شود.

البته در این راستا روایتی چند از معصومین (علیهم السلام) به شرح و بست این آیه پرداخته اند که به ذکر دو روایت در این باب بسنده می کنیم.

(۱) علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از ابی جارود از ابی جعفر (علیه السلام) نقل کرده که در سخن خداوند متعال آمده است: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد زنان سوال کردند که میراث ایشان چقدر است؟ پس خداوند نازل کرد: یک چهارم و یک هشتم.

(۲) محمد بن یعقوب از محمد بن یحیی... از محمد بن مسلم از ابی جعفر (علیه السلام) نقل کرده اند که فرمودند: سهم زوجه در صورتی که فرزندی نداشته باشد یک چهارم و اگر برایش فرزندی باشد یک هشتم است.

## فقه قرآنی (فقه گویا) و مسئله ارث زن

یکی از اشکالاتی که استاد ما و بنیان گذار مکتب فقه گویا یا همان فقه قرآنی حضرت آیت الله العظمی علامه صادقی تهرانی (ره) در کتب متعدد خود بر آن تأکید داشته و آن را به عنوان کمبود و تبعیض مردگرایانه در حوزه حقوق زن بر می شمردند، مسئله ارث زن از شوهر متوفا بوده است ایشان با استناد به آیه شریفه (نساء/ ۱۲) در بیش از شصت سال گذشته ارث زن را از کلیه اموال منقول و غیرمنقول شوهر می دانسته اند و در این خصوص ادله ای را اقامه فرمودند که ما در اینجا به بیان مختصری از این ادله و اشکالات ایشان می پردازیم.

(۱) وجه تبعیض و اشکال بر فقه سنتی: «در اینجا کمبود دیگری هم که پایه شرعی ندارد - اضافه بر دو اصل نخست، در کمبود سهم الارث زن - بر حسب فتاوی اکثر فقیهان - به چشم می خورد که: زن تنها از منقولات و بهای خانه مسکونی و یا سایر ساختمانها سهم دارد! که حق زن بسیار کم و در نتیجه ناچیز خواهد بود؛ بویژه در زمانهای



گذشته که بهای زمین و ماندش از بهای اموال منقول بسیار زیادتر بوده، و هم اکنون نیز چنان است. و اگر بهای اموال منقول و غیرمنقول یکسان باشد میراث زن - از اموال منقول - گرچه با اضافه بهای مسکونی خیلی ناچیز است که در صورت چهار زن بودن میراث هر یکی از آنان یک شصت و چهارم مرد می شود. ولی همین جا به وضوح ملاحظه می کنیم که در نص قرآن محرومیت زنان را از این بخش کلان برطرف ساخته و برای آنان از کل میراث مرد از منقول و اعیان، سهم الارث مقرر داشته است.

(۲) تصریح آیه به ارث زن از کل میراث مرد: ایشان در این باره می فرمایند: «در خصوص تفسیر آیه شریفه باید گفت که زن در صورت داشتن فرزند یک چهارم و در صورت نداشتن فرزند یک هشتم از کل اموال و دارایی های مرد ارث می برد و همچنین مرد از همسر متوفی خود. و این آیه در خصوص هر دو (چه زن و چه مرد) اطلاق دارد و تنها چیزی که این اطلاق را مستثنی می کند بخش وصیت و دین است پس زن و مرد در سهم الارث زوجیت با یکدیگر یکسانند. نکته قابل توجه این است که استثنای (من بعد وصیه یوصون بها او دین) در چهار جای قرآن تکرار شده و هرگز در این موارد اشاره ای به جدا بودن اموال غیرمنقول و اعیانی از میراث مرد نسبت به زن وجود ندارد که اگر چنان استثنایی در کار بود لااقل یک بار در قرآن کریم یاد می شد.»

(۳) استناد به قاعده اصولی (اذا تعارضا تساقطا): ایشان به این موضوع اشاره کرده فرمودند: «روایاتی که در مقابل نص صریح آیه قرار دارند بدلیل مخالفتشان با ظاهر مستقر قرآنی طرد می شوند زیرا آیه اطلاق دارد و قابل تخصیص نیست و روایات نیز در منابع روایی باهم تعارض دارند که در این صورت روایات معارض با قرآن مردود هستند و غیر قابل استناد.»

(۴) ازدواج زن پس از مرگ شوهر: ایشان در رد این حدیث و نظریه که: «چون ممکن است زن پس از مرگ شوهرش ازدواج کند و با شوهر جدید در سهم الارث خانه، مزاحم سایر وارثان شود، پس از قسمت اعیانی میراث مرد محروم است» می فرمایند: و حال آن که این قضیه درباره مردان بیشتر اتفاق می افتد که ازدواج مرد زن مرده، از ازدواج زن بیوه خیلی بیشتر است و انگهی چرا در این صورت، زنان باید از بهای اموال غیر منقول دیگر هم محروم باشند ولی در بهای خانه مسکونی - که مورد استدلال این حدیث است - سهمیم باشند؟ از جمله اتفاقات فتوای محرومیت زنان از تمامی ماترک شوهرانشان این است که زنان شیعی که شوهرانشان سنی مذهبند، برای فرار از این محرومیت سنی می شوند که چنان محرومیتی به فتوای سنیان برای زنان نیست - چنان که در لبنان چنان جریانی اتفاق افتاده و ادامه دارد.

(۵) بهره بری زن از حقوق دیگر بعد از مرگ شوهر: «نه تنها زن در نظر اسلام از هیچ بخشی از میراث مرد محروم نیست، بلکه به نص صریح قرآن یا یک سال پس از مرگ شوهر - قبل از ازدواج مجدد - حق سکونت و نفقه، در خانه ی ملکی او را اضافه بر ارث دارد به این صورت که بایستی نخست مخارج معیشت یکسال او از میراث جدا شود و سپس ارث میان وارثان تقسیم گردد. چنانچه قرآن در این باره می فرماید: «و الذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً

وصیه لازواجهم متاع الی الحول غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن من معروف والله عزیز الحکیم».

و کسانی از شما که مرگشان در رسد و همسرانی بر جای می گذراند سفارشی است برای همسرانشان (که وارثان) آنان تا یک سال (در نیازهای زندگیشان) بهره مند سازند و از (خانه های شوهرانشان) بیرون شان نکنند پس اگر زودتر بیرون بروند، در آنچه آنان به شایستگی درباره خودشان انجام دهند، هرگز گناهی برای شما نیست و خداوند عزیز و حکیم است.

(۶) ارث زن از شوهر در صورت انحصار: استاد با بهره گیری از آیه شریفه «اولوالارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله ان الله بکل شیء علیم». (ایشان از شمایند و ارحام، بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا برترند. به راستی خدا به هر چیزی بسی داناست) فرمودند: (اولوالارحام) و همچنین (اقربین) که سرسلسه ی آنان همین زنانند از مهمترین مصادیق وصیت به ثلث می باشند که در موارد استثنایی بایستی نیازمندی شان با وصیت از ثلث میراث برآورده شود چنان که برخی از آیات بیانگر این اولویت هستند. ولی متأسفانه در این جا بسیاری از فقیهان زن را از (اولوالارحام) نمی دانند، در حالی که زن خود صاحب رحم و مادر فرزندان است، پس چگونه است که فرزندان او جز اولوالارحام هستند ولی خود او که صاحب رحم و پرورش دهنده ی آنان است، جزو آنان نیست و با توجه به آیه یاد شده زن مشمول اولین درجات ارث است و اگر وارث دیگری نباشد تنها وارث خود زن خواهد بود. پس می بینیم که بر پایه نظام اقتصادی اسلام هرگز برای زن درماندگی مالی وجود ندارد .

## دلیل روایی بر اثبات ادله فقه قرآنی

در منابع روایی ما روایاتی وجود دارد که استدلالات یاد شده را تأیید می نماید، که بعنوان نمونه به بیان دو روایت می پردازیم.

(۱) محمد بن حسن به اسنادش از حسین بن سعید... از ابی عبدالله (علیه السلام) سوالی با این مضمون پرسید: آیا مرد از خانه و زمین متعلق به زوجه اش ارث می برد؟ و آیا به منزله حکم زوجه (درارث بری) است که ارث نمی برد؟ ابی جعفر (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: (نه اینگونه نیست بلکه) هر یک از زوج و زوجه از هر چه دیگری به جای گذارد ارث می برند.

(۲) محمد بن حسن به اسنادش از احمد بن محمد بن عیسی، از برقی از محمد بن قاسم بن فضیل بن یسار بصری نقل می کند که از امام رضا (علیه السلام) در مورد ارث زوجه سوال شد که تنها وارث شوهر متوفای خود می باشد و امام فرمودند که تمام مال به زوجه داده می شود و دلالت بر ارث بردن زن از کل ماترک شوهر در صورت انحصار وی در وراثت است.

## سهم الارث زنان متعدد

در فقه قرآن با توجه به آیه ۳ و ۱۲ از سوره مبارکه نساء در خصوص تعدد زوجات برای مرد و نحوه تقسیم ارث میان آنها چنین باید گفت که طبق نصوص در صورت وجود فرزند حتی برای یکی از زوجات، در یک هشتم ارث شریک خواهند بود و در صورت نبود فرزند، همه آنها در یک چهارم شریکند. یعنی فرزند میت مانع از این می شود که همسر بیش از یک هشتم مال را ببرد و تفاوتی هم نمی کند که فرزند میت از همین همسر متولد شده باشد که ارث می برد یا از زنی دیگر باشد (چه دائمی و چه انقطاعی) و تفاوتی هم نمی کند.

در خصوص مسئله تعدد زوجات و شراکت آنها در ارث شوهر متوفا روایت شده از محمد بن حسن به اسنادش از فضل بن شاذان ... از ابی عمر عبدی از علی بن ابیطالب (صلوات الله علیه وآله) در حدیثی نقل می کند که حضرت فرمودند: سهم زوج از یک دوم بیشتر نمی شود و از یک چهارم کمتر نمی شود و زوجه نیز حداقل سهمش یک هشتم و حداکثر آن یک چهارم خواهد بود خواه زوجات چهار نفر باشند یا غیر از این (یعنی کمتر).

### وضعیت حقوقی ارث زن از شوهر

قانون مدنی ایران در گذشته به تبعیت از فقه سنتی زن را در هر شرایطی (چه دارای فرزند باشد و چه نباشد) مستحق ارث از اموال منقول شوهر - و نه اعیان و اموال غیر منقول - می دانست.

اما در سال ۱۳۸۷ ماده ۹۴۶ مصوب ۱۳۰۷ اصلاح گردید و طبق ماده اصلاح شده ۹۴۶ مقرر گردید. زوج از تمام اموال زوجه ارث ببرد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث ببرد و در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیبی که گفته شد خواهد بود.

همچنین ماده ۹۴۸ مصوب ۱۳۰۷ نیز اصلاح گردید و مقرر گردید هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند زن می تواند برابر قانون حق خود را از عین اموال استیفا کند. در ادامه اصلاحات قانون ارث زن ماده ۹۴۷ قانون مدنی حذف گردید.